



اثر نقدشوندگی سهام بر ویژگی قرارداد حسابرسی و صاحبکار: نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی

عباسعلی دریائی^۱ ©

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

عبداله پاکدل

استادیار گروه حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

حامد صادقی

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۲ آبان ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۴۰۴)

این مطالعه به بررسی اثر نقدشوندگی سهام بر ویژگی قرارداد حسابرسی و صاحبکار با توجه به نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. نقدشوندگی سهام به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و هزینه‌های تأمین مالی شناخته می‌شود و می‌تواند بر تقاضا و قیمت خدمات حسابرسی تأثیر بگذارد. در این مطالعه، نقدشوندگی سهام به عنوان متغیر مستقل و ویژگی قرارداد حسابرسی و صاحبکار با بدیل حق الزحمه حسابرسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنین، نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی در این رابطه بررسی شده است. این پژوهش با استفاده از داده‌های ۱۶۴ شرکت نمونه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۰ ساله از سالهای ۱۳۹۳ لغایت ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. همچنین برای اندازه‌گیری متغیر کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی از دو بدیل اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرسی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نقدشوندگی سهام با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری در سطح ۵٪ دارد، به طوری که شرکت‌های با نقدشوندگی بالاتر به دلیل وضعیت مالی بهتر، معمولاً هزینه حسابرسی بیشتری می‌پردازند. اندازه و تخصص موسسه حسابرسی رابطه مثبت و معنادار بین نقدشوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل کرده و به افزایش حق الزحمه حسابرسی منجر می‌شوند. یافته‌ها می‌توانند راهنمایی برای شرکت‌ها و حسابرسان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با کیفیت حسابرسی باشد.

واژه‌های کلیدی: نقدشوندگی سهام، ویژگی قرارداد حسابرسی و صاحبکار، کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی، اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرسی.

¹ a.a.daryaei@soc.ikiu.ac.ir

مقدمه

رابطه بین نقدشوندگی سهام و ویژگی قرارداد حسابرس و صاحبکار یکی از موضوعات مهم در حوزه مالی و حسابداری است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. نقدشوندگی سهام، که به توانایی خرید و فروش سریع و آسان سهام اشاره دارد، معمولاً با کاهش هزینه‌های حسابرسی همراه است، زیرا نقدشوندگی بالا عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. از یک سو، افزایش نقدشوندگی ممکن است به پنهان‌سازی معاملات بزرگ کمک کند و تصاحب‌های خصمانه را تسهیل نماید [۱۴]. از سوی دیگر، این افزایش می‌تواند رقابت در بازارهای مالی را تقویت کرده و کارایی قراردادهای حسابرسی را بهبود بخشد، اما ممکن است مدیران را تحت فشار قرار دهد تا تصمیمات کوتاه‌مدت‌تری اتخاذ کنند [۲۵]. در شرکت‌های با نقدشوندگی بالا، سرمایه‌گذاران اطلاعات مالی را راحت‌تر تحلیل می‌کنند، که این شفافیت اطلاعاتی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تسهیل ارزیابی‌های حسابرسی کمک می‌کند. در نتیجه، حسابرسان با اطمینان بیشتری می‌توانند ارزیابی‌های خود را انجام دهند [۲۲]. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شرکت‌هایی که نقدشوندگی سهام آن‌ها بالاتر است، معمولاً به دلیل دسترسی آسان‌تر به اطلاعات و تحلیل‌های دقیق‌تر، نیاز به حسابرسی‌های پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر ندارند. در واقع، افزایش نقدشوندگی می‌تواند به کاهش هزینه‌های قراردادهای حسابرسی منجر شود، زیرا ریسک‌های مرتبط با عدم شفافیت کاهش می‌یابد [۲۶]. علاوه بر این، در بازارهایی با نقدشوندگی بالا، رقابت بیشتری بین حسابرسان وجود دارد که می‌تواند منجر به کاهش قیمت قراردادهای حسابرسی شود. این شرایط همچنین به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی کمک می‌کند. بنابراین، رابطه بین نقدشوندگی سهام و ویژگی قرارداد حسابرسی می‌تواند تأثیرات متعددی بر عملکرد شرکت‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاری داشته [۱۹]. با این حال، کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی به عنوان یک عامل تعدیلگر در این رابطه، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. کیفیت بالای حسابرسی مبتنی بر ورودی می‌تواند به حسابرسان امکان دهد تا ریسک‌های مالی و نواقص اطلاعاتی را بهتر شناسایی کنند و در نتیجه تأثیر مثبت نقدشوندگی بر کاهش هزینه قرارداد حسابرسی را تقویت نمایند. به عبارت دیگر، در شرایطی که کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی بالا باشد، حتی اگر نقدشوندگی سهام کم باشد، هزینه قرارداد حسابرس ممکن است افزایش یابد [۱۶]. بنابراین، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مبتنی بر به عنوان یک عامل تعدیلگر در رابطه بین نقدشوندگی سهام و ویژگی قرارداد حسابرسی می‌تواند درک بهتری از دینامیک‌های بازار مالی و الزامات حسابرسی ارائه دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بورس اوراق بهادار یکی از ارکان اساسی سیستم‌های مالی است که نقش مهمی در تأمین مالی شرکت‌ها و حمایت از اقتصاد ایفا می‌کند. این بازار به سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد تا با خرید و فروش سهام و اوراق بهادار، بازدهی کسب کنند [۲۱]. یکی از ویژگی‌های کلیدی بورس، نقدشوندگی سهام است که به میزان سهولت و سرعت تبدیل سهام به پول نقد بدون تأثیر قابل‌توجه بر قیمت آن اشاره دارد [۸]. نقدشوندگی بالا باعث افزایش جذابیت سهام [۱۱]، کاهش نوسانات قیمتی [۲]، کاهش ریسک

سرمایه‌گذاری [۱] و تقویت اعتماد عمومی [۲۵] به بازار مالی می‌شود. این ویژگی همچنین بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیرگذار بوده و موجب افزایش کارایی و شفافیت بازار می‌گردد [۳].

در این پژوهش، حق‌الزحمه حسابرسی را به‌عنوان عامل کلیدی در قرارداد بین حسابرس و صاحبکار بررسی می‌کند. این مبلغ که نشان‌دهنده پیچیدگی و گستردگی خدمات حسابرسی است، تحت تأثیر عواملی مانند نوع صنعت، حجم عملیات، ریسک حسابرسی و شهرت مؤسسه حسابرسی قرار دارد [۱۰]. کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی، که به دقت و حرفه‌ای بودن خدمات حسابرسی اشاره دارد، نقش مهمی در ارزیابی شرکت‌ها دارد. خدمات حسابرسی باکیفیت باعث بهبود عملکرد مالی، ارائه اطلاعات دقیق و افزایش اعتبار شرکت در بازار می‌شود [۱۸]. کیفیت حسابرسی بالا اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کرده و اطمینان آن‌ها را نسبت به صحت اطلاعات مالی تقویت می‌کند. یکی از پیامدهای آن، افزایش ارزش سهام و بهبود عملکرد کلی شرکت‌ها است. شرکت‌هایی که حسابرسی دقیق‌تری دارند، معمولاً جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران دارند [۹]. از سوی دیگر، نقدشوندگی سهام، که بیانگر میزان عرضه و تقاضای سهام شرکت است، عاملی کلیدی در ارزیابی آن محسوب می‌شود [۵]. افزایش نقدشوندگی سهام تقاضای بیشتری ایجاد کرده و می‌تواند قیمت سهام را افزایش دهد. این روند بر حق‌الزحمه حسابرسی نیز تأثیرگذار است، زیرا شرکت‌هایی با نقدشوندگی بالاتر به خدمات حسابرسی دقیق‌تری نیاز دارند که هزینه‌های حسابرسی را افزایش می‌دهد [۲۷]. کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی تأثیر مهمی بر رابطه بین نقدشوندگی سهام و حق‌الزحمه حسابرسی دارد، زیرا بر ارزیابی حسابرسان از میزان کار و ریسک‌های حسابرسی اثر می‌گذارد [۱۵]. حسابرسی باکیفیت به تحلیل دقیق‌تر وضعیت مالی شرکت‌ها کمک کرده و جذابیت آن‌ها را برای سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد. این امر موجب افزایش نقدشوندگی سهام شده، زیرا سرمایه‌گذاران به شرکت‌های با شفافیت مالی بالا تمایل دارند [۲۰]. در نتیجه، حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، شرکت‌هایی با کیفیت پایین حسابرسی ممکن است سرمایه‌گذاران کمتری جذب کرده و کاهش نقدشوندگی سهام را تجربه کنند که این موضوع به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی منجر می‌شود [۷]. همچنین، کیفیت بالای حسابرسی بر عملکرد سیستم‌های حسابداری تأثیر دارد؛ شرکت‌هایی با ساختار حسابرسی قوی‌تر معمولاً از سیستم‌های حسابداری بهتری برخوردارند که این می‌تواند هزینه‌های حسابرسی را کاهش دهد [۶]. به عبارت دیگر، در شرکت‌هایی که کیفیت حسابرسی بالاتری دارند، فرآیند حسابرسی با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌شود و نیاز به منابع انسانی و زمان بیشتری برای شناسایی و تصحیح خطاها یا اشتباهات کمتری خواهد بود. در مقابل، شرکت‌هایی که کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی پایینی دارند، ممکن است با مشکلاتی در سیستم‌های حسابداری خود روبرو شوند که نیاز به خدمات حسابرسی بیشتری برای شناسایی و اصلاح اشتباهات و ریسک‌ها دارد و این امر می‌تواند به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی منتهی شود [۱۷]. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که نقدشوندگی سهام، به‌عنوان یک ویژگی کلیدی، می‌تواند مزایای قابل توجهی برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران داشته باشد. این ویژگی با جذب سرمایه‌گذاران بیشتر، هزینه سرمایه را کاهش داده و وضعیت مالی شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد. همچنین، افزایش نقدشوندگی

می‌تواند به تشویق سرمایه‌گذاران برای کسب اطلاعات دقیق‌تر و بهبود کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت آن کمک کند [۱۳]. از این رو، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی بر رابطه میان نقدشوندگی سهام و حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند به درک بهتری از این روابط و تأثیرات آن‌ها بر تصمیمات حساب‌برسان کمک کند. این بررسی نه تنها می‌تواند به حساب‌برسان در ارزیابی بهتر ریسک‌های حسابرسی کمک کند، بلکه به عنوان ابزار مفیدی برای سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت‌ها نیز عمل خواهد کرد تا از دیدگاه‌های مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده کنند و بهبود عملکرد مدیران در زمینه بهبود کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی را تسهیل کنند.

در این مطالعه، هدف بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر حق‌الزحمه حسابرسی است، به‌ویژه از طریق فشار بر عملکرد کوتاه‌مدت مدیران که ممکن است کیفیت گزارشگری مالی را کاهش دهد. همچنین، بررسی می‌شود که آیا این فشارها منجر به تولید صورت‌های مالی تحریف‌شده و افزایش ریسک حسابرسی می‌شود. با کنترل عوامل شناخته‌شده مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی، ارزیابی خواهد شد که آیا حساب‌برسان ریسک‌های ناشی از نقدشوندگی سهام را در قیمت‌گذاری خود لحاظ می‌کنند. در نهایت، تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین نقدشوندگی سهام و ریسک حسابرسی نیز بررسی می‌شود. این سوالات برای پژوهشگران، تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، مقررات‌گذاران و سرمایه‌گذاران حائز اهمیت است. بر این اساس، فرضیات زیر مطرح می‌شود:

- ۱- نقدشودگی سهام بر ویژگی قرارداد حسابرس با صاحبکار اثر مثبت معنادار دارد.
- ۲- کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی اثر نقدشودگی سهام بر ویژگی قرارداد حسابرس با صاحبکار را تعدیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش داخلی

مقدم و حبیبی (۱۴۰۳) در یک مطالعه به بررسی تأثیر عوامل مختلف از جمله دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت سود بر همزمانی قیمت سهام پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بهبود کیفیت حسابرسی و کیفیت سود، اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات خاص شرکت را افزایش داده و در نهایت منجر به کاهش همزمانی قیمت سهام می‌شود.

عبداللهی (۱۴۰۱) در پژوهش خود، تأثیر نقدشوندگی سهام بر کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار را با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی بررسی کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که افزایش نقدشوندگی سهام به بهبود کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار منجر می‌شود. به علاوه، یافته‌ها حاکی از آن بود که حاکمیت شرکتی قوی، این رابطه را تقویت کرده و به افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

صالحی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای، اثر قدرت حاکمیت شرکتی بر نقدشوندگی بازار سهام را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که استقرار سازوکارهای مؤثر راهبری شرکتی، میزان شفافیت اطلاعاتی را افزایش

داده و از عدم تقارن اطلاعاتی می‌کاهد. این عوامل، نقدشوندگی بازار را بهبود بخشیده و در نهایت موجب ارتباط مثبت و معنادار بین قدرت حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی بازار سهام شده است. ملکیان و همکاران (۱۳۹۹) رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی، قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌ها را بررسی کردند. نتایج نشان داد که افزایش نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، موجب کاهش هزینه خدمات حسابرسی می‌شود، درحالی‌که دوگانگی نقش مدیرعامل، افزایش هزینه‌های حسابرسی را به دنبال دارد.

دیلمی و صفری گرایلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به مطالعه ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام پرداختند. یافته‌ها نشان داد که شاخص‌های هیئت‌مدیره و شفافیت اطلاعاتی، تأثیر منفی و معناداری بر نوسانات بازده سهام دارند، اما میان حقوق سهامداران و نوسان بازده سهام، رابطه معناداری مشاهده نشد.

پیشینه پژوهش خارجی

هندیجانی‌زاده (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر سیاست‌های نقدینگی شرکت‌ها پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که از خدمات حسابرسی با کیفیت بالا استفاده می‌کنند، تمایل کمتری به نگهداری ذخایر نقدی دارند. همچنین، محدودیت‌های مالی به عنوان یک عامل واسطه‌ای در رابطه بین کیفیت حسابرسی و میزان ذخایر نقدی شرکت‌ها عمل می‌کند. علاوه بر این، مشخص شد که حسابرسی‌های با کیفیت بالا، ارزش بازار هر دلار اضافی از ذخایر نقدی را افزایش می‌دهند.

کمپبل^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای، تأثیر نقدشوندگی سهام بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ارتباط مثبت و معناداری بین نقدشوندگی سهام و هزینه‌های حسابرسی وجود دارد، به این معنا که حسابرسان هنگام تعیین قیمت خدمات خود، ریسک‌های مرتبط با نقدشوندگی را در نظر می‌گیرند. این رابطه در شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی ضعیف هستند، شدت بیشتری دارد.

آمیهود و لوی^۲ (۲۰۲۲) در پژوهش خود، اثر نقدشوندگی سهام بر سرمایه‌گذاری و عملکرد تولیدی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که کاهش نقدشوندگی، حتی در غیاب محدودیت‌های مالی، باعث کاهش میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود. در نتیجه، این شرکت‌ها ناچارند روش‌های تولیدی کم‌سرمایه‌بر را جایگزین کنند. همچنین، یافته‌ها نشان داد که شرکت‌هایی که از نقدشوندگی کمتری برخوردارند، تمایل دارند با افزایش نیروی کار، دارایی‌های خود را گسترش دهند. چن^۳ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی نقش فرهنگ سازمانی در تعیین هزینه‌های حسابرسی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در شرکت‌هایی که فرهنگ سازمانی مبتنی بر همکاری دارند، هماهنگی

^۱ Campbell

^۲ Amihud and Levi

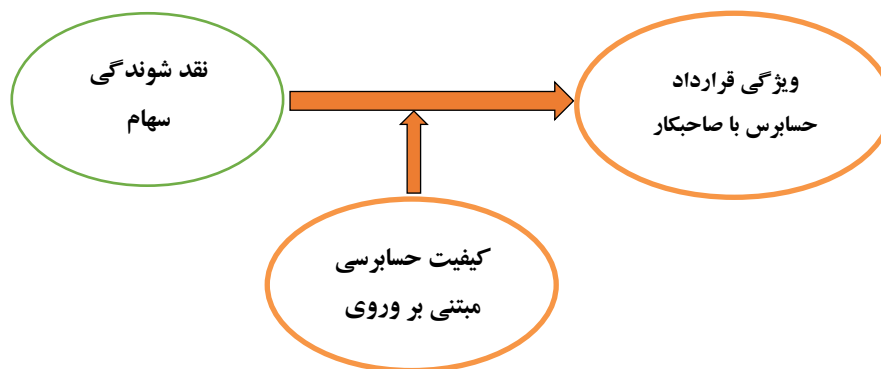
^۳ Chen

میان کارکنان بیشتر است. این ویژگی، احتمال درگیری شرکت در دعاوی حقوقی را کاهش داده و در نتیجه، حق بیمه ریسک حسابرسی را پایین می‌آورد. علاوه بر این، فرهنگ همکاری، موجب افزایش تمایل کارکنان به گزارش زود هنگام خطاها و مشکلات می‌شود، که در نهایت، سطح ریسک‌های کنترلی کاهش یافته و هزینه‌های حسابرسی کمتر می‌شود.

کین^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان نقدشوندگی سهام و هزینه‌های حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که افزایش نقدشوندگی سهام، نظارت سرمایه‌گذاران نهادی را بهبود بخشیده و این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأثیر بگذارند یا از طریق تهدید به فروش سهام، مدیریت را تحت فشار قرار دهند. با توجه به اینکه افزایش نقدشوندگی، سطح نظارت را ارتقا می‌دهد، شرکت‌هایی که نقدشوندگی بالاتری دارند، تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسی با کیفیت نشان می‌دهند. این مسئله به افزایش هزینه‌های حسابرسی منجر می‌شود، زیرا شرکت‌ها برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران نهادی، نیازمند حسابرسی‌های دقیق‌تر و پرهزینه‌تر هستند. یافته‌های پژوهش تأیید کرد که شرکت‌های دارای سهام نقدشونده، هزینه‌های حسابرسی بالاتری را متحمل می‌شوند.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش می‌تواند به تبیین دقیق‌تری از چگونگی تأثیر نقدشوندگی سهام بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و نقش کیفیت حسابرسی در این رابطه منجر شود و در نهایت به بهبود فرآیندهای حسابرسی و تصمیم‌گیری مالی در شرکت‌ها کمک کند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (محقق نگار)

۳. روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که نتایج این پژوهش می‌تواند برای حرفه حسابرسی، جامعه و صنعت مفید واقع شود، هدف آن کاربردی است. همچنین، به دلیل تحلیل رابطه بین چندین متغیر مختلف، ماهیت این پژوهش توصیفی-کاربردی است.

¹ Qin

همبستگی است. از آنجا که این تحقیق از داده‌های گذشته استفاده می‌کند، رویکرد آن پس‌رویدادی است. برای بررسی ارتباط میان متغیرها از مدل رگرسیونی چندمتغیره و داده‌های ترکیبی بهره‌برداری می‌شود. مبانی نظری تحقیق از طریق روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است. داده‌های لازم برای این پژوهش از اقلام صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی موجود در بانک‌های اطلاعاتی جامع و سایت بورس اوراق بهادار استخراج شده است. برای تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیات تحقیق، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی جزئی، مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی) و همچنین روش داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده شده است. در فرآیند طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار اکسل و برای تحلیل مدل رگرسیونی فرضیات از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش با استفاده از روش غربالگری از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ انتخاب شده‌اند و شرایط خاص زیر مدنظر قرار گرفته است:

- (۱) سال مالی آنها منتهی به اسفند ماه باشد.
- (۲) شرکت طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ تغییر سال مالی نداده باشد.
- (۳) اطلاعات مالی لازم به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
- (۴) تا پایان سال مالی ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- (۵) جزء شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانکی نباشند، زیرا این شرکت‌ها ماهیت و طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی متفاوتی دارند.

مدل و متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ویژگی قرارداد حسابرس با صاحبکار

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری متغیر ویژگی قرارداد حسابرس با صاحبکار از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی، استفاده شده است [۲۴].

متغیر مستقل

نقدشوندگی سهام

نقدشوندگی سهام به عنوان لگاریتم طبیعی میانگین سالانه نسبت کل سهام‌های معامله شده به تعداد سهام منتشره تعریف می‌شود [۲۳].

متغیر تعدیل‌گر

کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی

در پژوهش پیش‌رو، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی از دو بدیل اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرس استفاده شده است.

اندازه مؤسسه حسابرسی

در این مطالعه، از دستورالعمل‌های طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص مشمول ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار استفاده شده است. بر این اساس، مؤسسات حسابرسی بر مبنای امتیازات دریافتی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. مؤسسات دارای رتبه یک به‌عنوان مؤسسات با کیفیت بالاتر در نظر گرفته شده و با مؤسسات رتبه‌های دوم، سوم و چهارم مقایسه می‌شوند. در این مدل، اگر مؤسسه حسابرسی در رتبه یک قرار گیرد، متغیر دامی یک و در غیر این صورت، متغیر دامی صفر برای آن اختصاص داده می‌شود [۱۲].

تخصص حسابرس در صنعت

در این تحقیق، برای شناسایی تخصص حسابرس در یک صنعت خاص، از روش پالمرز استفاده شده است. بر این اساس، سهم بازار حسابرسان با تقسیم کل دارایی‌های شرکت‌های صاحبکار در یک صنعت خاص بر مجموع دارایی‌های تمام شرکت‌های تحت حسابرسی یک مؤسسه حسابرسی مشخص در همان صنعت محاسبه می‌شود. اگر حسابرس یک شرکت در صنعت مربوطه تخصص نداشته باشد، به آن شرکت عدد صفر و در صورت داشتن تخصص، عدد یک اختصاص می‌یابد. برای مؤسسه‌ای که نسبت فوق بیشتر از فرمول $(1/2) * (\text{تعداد شرکت های صنعت} / 1)$ باشد، متخصص صنعت هستند [۸].

متغیرهای کنترلی

BM: نسبت ارزش دفتری به، بازار به عنوان ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تعریف می‌شود.

MA: یک متغیر نشانگر برابر است با یک - اگر شرکت در فعالیتهای ادغام و تملیک درگیر باشد و در غیر این صورت برابر صفر است.

Sale _ Growth: نرخ رشد فروش، به عنوان تغییر در فروش از سال $t-1$ تا سال t تعریف می‌شود که با فروش در سال مقایسه شده است.

AuditLag: لگاریتم طبیعی یک به علاوه تعداد روزها بین پایان سال مالی جاری و تاریخ اعلام درآمد در نظر گرفته می‌شود.

Extraordinary: یک متغیر نشانگر برابر است با یک در صورتی که شرکت موارد فوق العاده یا عملیات متوقف شده را گزارش کند و در غیر این صورت برابر صفر است.

FOP: یک متغیر نشانگر برابر با یک است اگر شرکت دارای عملیات خارجی باشد و در غیر این صورت برابر با صفر باشد.

Employee: جذر تعداد کارمندان تعریف می‌شود.

Std _ Ret: نوسان، بازده به عنوان انحراف معیار بازده روزانه در طول سال مالی تعریف می‌شود.

Lnat: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها تعریف می‌شود

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل زیر استفاده می‌شود:

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های زیر استفاده می‌شود:

$$1) AF_{i,t} = a + B * STKLIQ_{i,t} + \Gamma * Controls_{i,t} + Y_{i,t} + I_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$2) AF_{i,t} = a + B * STKLIQ_{i,t} + C * AQ_{i,t} + D * Stk_Liq_{i,t} * AQ_{i,t} + \Gamma * Controls_{i,t} + Y_{i,t} + I_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

AF: حق الزحمه حسابرسی؛

STKLIQ: نقدشوندگی سهام؛

AQ: کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی؛

Controls: متغیرهای کنترلی؛

Y: اثرات ثابت سال؛

I: اثرات ثابت صنعت.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات
LNAF	۷/۳۹۲	۷/۱۴۱	۱۳/۸۳۱	۲/۹۲۹	۱/۰۰۷	۱۶۴۰
STKLIQ	۵/۸۶۲	۵/۱۷۴	۱۲۹۶/۵۹۶	۰/۰۰۰	۳۳/۱۱۹	۱۶۴۰
BM	۰/۳۱۱	۰/۲۳۸	۱/۶۴۸	-۰/۹۰۶	۱/۱۱۲	۱۶۴۰
SG	۰/۴۲۸	۰/۳۱۷	۵۷/۱۲۰	-۱/۰۰۰	۱/۸۷۲	۱۶۴۰
AUDITLAG	۵/۸۶۷	۵/۳۶۲	۶/۸۸۳	۴/۲۱۹	۰/۶۱۲	۱۶۴۰
EMPLOYEE	۳۱/۴۷۱	۲۱/۹۳۷	۲۴۴/۹۸۰	۰/۰۰۰	۳۱/۰۳۷	۱۶۴۰
STDRET	۰/۱۴۱	۰/۰۳۷	۱۰/۷۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۲	۱۶۴۰
LNAT	۱۴/۲۸۴	۱۴/۰۴۳	۲۱/۳۲۸	۱۰/۴۹۲	۱/۸۱۱	۱۶۴۰
جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای گسسته پژوهش						
متغیر	حداقل	درصد حداقل	حداکثر	درصد حداکثر		
AS	۰	۶۶ درصد	۱	۳۴ درصد		
AIS	۰	۴۳ درصد	۱	۵۷ درصد		
MA	۰	۵۵ درصد	۱	۴۵ درصد		
Extraordinary	۰	۸۷ درصد	۱	۱۳ درصد		

FOP	۰	۵۹ درصد	۱	۴۱ درصد
-----	---	---------	---	---------

در جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای تحقیق به صورت جداگانه برای متغیرهای پیوسته و گسسته ارائه شده است. بر اساس نتایج، میانگین لگاریتم حق الزحمه حسابرسی برابر با ۳۹۲/۷ محاسبه شده است. میانگین نقدشوندگی سهام شرکت‌ها ۸۶۲/۵ و میانگین نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار ۳۱۱/۰ است. همچنین، میانگین رشد شرکت‌ها ۴۲۸/۰ و میانگین لگاریتم اختلاف سال مالی و تاریخ اعلام سود ۸۶۷/۵ به دست آمده است. میانگین جذر تعداد کارکنان ۴۷۱/۳۱ و انحراف معیار بازده سالانه سهام شرکت‌ها ۱۴۱/۰ است. علاوه بر این، میانگین لگاریتم اندازه شرکت‌ها که نشان‌دهنده اندازه شرکت است، ۲۸۴/۱۴ گزارش شده است. جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای دو ارزشی را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که یافته‌ها نشان می‌دهد که به ترتیب تقریباً ۳۴ درصد و ۵۷ درصد از شرکت‌های نمونه توسط موسسات حسابرسی بزرگ و متخصص حسابرسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از شرکت‌ها در فعالیت‌های ادغام و تملیک درگیر بوده‌اند. همچنین، مشاهدات نشان می‌دهد که فقط ۱۳ درصد از شرکت‌ها عملیات متوقف شده را گزارش کرده‌اند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۱ درصد شرکت‌ها عملیات خارجی را گزارش کرده‌اند.

تخمین مدل و تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش:

آزمون فرضیه اول

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری	همخطی
نقدشوندگی سهام	STKLIQ	۰/۱۷۶	۰/۰۱۳	۱۳/۹۳۲	۰/۰۰۰	۱/۲۱۰
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۱۷۴	۰/۸۶۱	۱/۳۸۳
ادغام و تملیک	MA	۰/۰۱۵	۰/۰۲۷	۰/۵۶۳	۰/۵۷۳	۱/۷۳۰
رشد فروش	SG	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	-۴/۲۲۱	۰/۰۰۰	۱/۲۰۶
تفاوت سال مالی و اعلام سود	AUDITLAG	۰/۱۱۰	۰/۰۰۷	۱۵/۱۶۶	۰/۰۰۰	۱/۴۴۸
عملیات متوقف شده	EXTRAORDINARY	۰/۰۶۲	۰/۰۰۶	۹/۶۰۹	۰/۰۰۰	۱/۲۴۷

عملیات خارجی	FOP	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۶	-۰/۱۷۸	۰/۸۵۸	۱/۸۹۲
جذر کارکنان	EMPLOYEE	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۳/۵۰۲	۰/۰۰۰	۱/۴۸۱
انحراف معیار بازده سالانه	STDRET	۰/۱۰۳	۰/۰۰۷	۱۴/۶۳۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۷
لگاریتم دارایی‌ها	LNAT	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	-۱/۹۲۹	۰/۰۵۳	۱/۱۶۲
ضریب تعیین		۰/۶۱۴				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۶۷				
آماره F		۸/۳۶۱				
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰				
آماره دوربین-واتسون		۱/۹۲۴				
آزمون لیمر		۴/۳۴۱				
سطح معناداری آماره لیمر		۰/۰۰۰				
آزمون هاسمن		۱۲۸/۳۷۲				
سطح معناداری آماره هاسمن		۰/۰۰۰				
واریانس ناهمسانی		۲/۲۶۵				
سطح معناداری واریانس ناهمسانی		۰/۰۰۱				

پیش از ارائه نتایج نهایی تخمین مدل اول پژوهش، آزمون‌های پیش‌فرض انجام شد. نتایج نشان داد که مدل در سطح کلی معنادار است و آماره F آن در سطح ۱ درصد معناداری دارد. همچنین، با توجه به اینکه آماره دوربین-واتسون بین ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل رگرسیون کاذب وجود ندارد و همبستگی سریالی بین اجزای خطا مشاهده نمی‌شود. با توجه به سطح معناداری آماره لیمر که کمتر از ۵ درصد است، مشخص شد که برای تحلیل داده‌ها باید از روش پانل استفاده شود. بنابراین، آزمون هاسمن برای تعیین روش اثرات ثابت یا تصادفی انجام شد. نتایج آزمون هاسمن نشان داد که سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است، که بیانگر برتری روش اثرات ثابت نسبت به روش اثرات تصادفی است. بر این اساس، مدل پژوهش با استفاده از روش داده‌های پانلی و روش اثرات ثابت تخمین زده شد. سطح آماره VIF برای تمام متغیرهای مدل کمتر از ۱۰ بود، که نشان‌دهنده عدم وجود مشکل همخطی شدید بین متغیرهاست. همچنین، با توجه به اینکه سطح معناداری آماره واریانس ناهمسانی کمتر از ۵ درصد بود، مشکل واریانس ناهمسانی شناسایی شد. برای رفع این مشکل، از آزمون وایت و روش GLS استفاده شد تا اثرات واریانس ناهمسانی برطرف گردد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰.۴۶۷ بود، که نشان می‌دهد حدود ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی

تبیین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقدشوندگی سهام دارای یک رابطه مثبت و معنادار در سطح ۵ درصد با حق الزحمه حسابرسی است. این به این معناست که هر چه نقدشوندگی سهام بیشتر باشد، احتمال افزایش حق الزحمه حسابرسی نیز وجود دارد. این ارتباط ممکن است ناشی از این باشد که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به راحتی قابل خرید و فروش است، از نظر مالی وضعیت بهتری دارند و در نتیجه ممکن است برای خدمات حسابرسی هزینه بیشتری پرداخت کنند.

آزمون فرضیه دوم

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم						
متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره	سطح معناداری	همخطی
نقدشوندگی سهام	STKLIQ	۰/۲۷۳	۰/۰۱۸	۱۵/۴۶۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۶
اندازه حسابرس	AS	۰/۲۶۸	۰/۰۳۶	۷/۴۲۰	۰/۰۰۰	۱/۱۳۷
تخصص حسابرس	AIS	۰/۱۹۸	۰/۰۱۹	۱۰/۶۲۸	۰/۰۰۰	۱/۱۲۶
نقدشوندگی سهام و اندازه حسابرس	STKLIQ*AS	۰/۱۳۶	۰/۰۴۵	۳/۰۳۹	۰/۰۰۲	۱/۶۳۱
نقدشوندگی سهام و تخصص حسابرس	STKLIQ*AIS	۰/۱۳۴	۰/۰۲۴	۵/۵۹۹	۰/۰۰۰	۱/۸۳۳
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	۰/۰۰۳	۰/۰۲۵	۰/۱۳۷	۰/۸۹۱	۱/۸۲۱
ادغام و تملیک	MA	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۰/۸۷۷	۰/۳۸۰	۱/۶۳۷
رشد فروش	SG	-۰/۰۶۰	۰/۰۰۶	-۹/۳۹۸	۰/۰۰۰	۱/۶۸۲
تفاوت سال مالی و اعلام سود	AUDITLAG	۰/۱۱۰	۰/۰۳۷	۲/۷۹۵	۰/۰۰۵	۱/۰۲۱

۱/۱۴۸	۰/۰۰۰	۶/۱۶۱	۰/۰۱۸	۰/۱۱۴	EXTRAORDINARY	عملیات متوقف شده
۱/۲۶۸	۰/۳۶۴	-۰/۹۰۷	۰/۰۱۱	-۰/۰۱۰	FOP	عملیات خارجی
۱/۶۳۲	۰/۰۰۰	۳۳/۲۸۴	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳	EMPLOYEE	جذر کارکنان
۱/۰۲۷	۰/۰۰۰	۵/۴۰۳	۰/۰۲۴	۰/۱۲۸	STDRET	انحراف معیار بازده سالانه
۱/۹۳۴	۰/۰۸۹	-۱/۷۰۱	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۶	LNAT	لگاریتم دارایی‌ها
۰/۷۲۶					ضریب تعیین	
۰/۶۷۲					ضریب تعیین تعدیل شده	
۱۲۱/۱۶۷					آماره F	
۰/۰۰۰					سطح معناداری آمار F	
۲/۰۱۱					آماره دوربین واتسون	
۲/۸۷۱					آزمون لیمر	
۰/۰۰۰					سطح معناداری آماره لیمر	
۷۱/۶۷۶					آزمون هاسمن	
۰/۰۰۰					سطح معناداری آماره هاسمن	
۲/۷۳۰					واریانس ناهمسانی	
۰/۰۰۱					سطح معناداری واریانس ناهمسانی	

پیش از ارائه نتایج نهایی تخمین مدل پژوهش، آزمون‌های پیش فرض انجام شد. نتایج نشان داد که مدل در سطح کلی معنادار است و آماره F آن در سطح ۱ درصد معناداری دارد. همچنین، با توجه به اینکه آماره دوربین-واتسون بین ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل رگرسیون کاذب وجود ندارد و همبستگی سریالی بین اجزای خطا مشاهده نمی‌شود. با توجه به سطح معناداری آماره لیمر که کمتر از ۵ درصد است، مشخص شد که برای تحلیل داده‌ها باید از روش پانل استفاده شود. بنابراین، آزمون هاسمن برای تعیین روش اثرات ثابت یا تصادفی انجام شد. نتایج آزمون هاسمن نشان داد که سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است، که بیانگر برتری روش اثرات ثابت نسبت به روش اثرات تصادفی است. بر این اساس، مدل پژوهش با استفاده از روش داده‌های پانلی و روش اثرات ثابت تخمین زده شد. سطح آماره VIF برای تمام متغیرهای مدل کمتر از ۱۰ بود، که نشان‌دهنده عدم وجود مشکل همخطی شدید بین متغیرهاست. همچنین، با توجه به اینکه سطح معناداری آماره واریانس ناهمسانی

کمتر از ۵ درصد بود، مشکل واریانس ناهمسانی شناسایی شد. برای رفع این مشکل، از آزمون وایت و روش *GLS* استفاده شد تا اثرات واریانس ناهمسانی برطرف گردد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰.۶۷۲ بود، که نشان می‌دهد حدود ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین شده است. ضریب برآوردی متغیرهای تعاملی نشان دهنده اثر مثبت و معنادار آن‌ها بر رابطه بین نقد شوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی است. از این رو می‌توان ادعا کرد که اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرسی را بطله بین نقدشوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند با توجه به این شواهد فرضیه دوم رد نمی‌شود. از آنجا که نقدشوندگی سهام به توانایی سرمایه‌گذاران در خرید و فروش سهام بدون تأثیر زیاد بر قیمت اشاره دارد، می‌توان گفت که هر چه نقدشوندگی بالاتر باشد، احتمالاً حق الزحمه حسابرسی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. متغیرهایی مانند اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرسی می‌توانند به عنوان عوامل تعدیل‌کننده این رابطه عمل کنند. به طور خاص، موسسات حسابرسی بزرگ‌تر و حسابرسان با تخصص بیشتر می‌توانند به بهبود کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کنند که در نتیجه می‌تواند بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت بگذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده یک ارتباط مثبت و معنادار میان نقدشوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی است. این بدین معناست که هر چه نقدشوندگی سهام یک شرکت بیشتر باشد، احتمال آن که این شرکت برای خدمات حسابرسی هزینه بیشتری پرداخت کند نیز بیشتر می‌شود. نقدشوندگی سهام به معنای قابلیت خرید و فروش سریع و آسان سهام است و این ویژگی برای سرمایه‌گذاران جذابیت زیادی دارد. به عبارت دیگر، اگر سرمایه‌گذاران بتوانند به راحتی سهام خود را خرید و فروش کنند، احتمالاً تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در آن شرکت خواهند داشت. این ارتباط می‌تواند به چند عامل کلیدی مرتبط باشد. نخست، وضعیت مالی شرکت‌هاست. شرکت‌هایی با نقدشوندگی سهام بالا معمولاً از وضعیت مالی قوی‌تری برخوردارند، زیرا در جذب سرمایه‌گذاران موفق‌ترند و دسترسی به منابع مالی بیشتری دارند. این نقدینگی بالا به آن‌ها امکان می‌دهد هزینه‌هایی مانند حق الزحمه حسابرسی را راحت‌تر پرداخت کنند [۴]. دوم، اعتبار و شهرت شرکت‌ها نقش دارد. شرکت‌هایی با نقدشوندگی بالا معمولاً اعتبار بیشتری در بازار دارند، که این اعتبار تمایل آن‌ها به استفاده از خدمات حسابرسی باکیفیت را افزایش می‌دهد [۲۰]. این شرکت‌ها برای حفظ اعتبار خود، حاضرند هزینه بیشتری برای حسابرسی‌های دقیق و باکیفیت پرداخت کنند تا از صحت گزارش‌های مالی خود اطمینان یابند [۱۱]. ارتباط بین نقدشوندگی سهام و حق الزحمه حسابرسی نشان می‌دهد شرکت‌هایی با نقدشوندگی بالا نه تنها از نظر مالی قوی‌تر هستند، بلکه تمایل دارند برای حفظ اعتبار و اطمینان از صحت گزارش‌های مالی، خدمات حسابرسی باکیفیت‌تری دریافت کنند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود این شرکت‌ها هزینه بیشتری برای حسابرسی پرداخت کنند، که حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد [۲۷]. این یافته‌ها به تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا وضعیت مالی شرکت‌ها را بهتر ارزیابی کرده و در

بازارهای پرنوسان، تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. علاوه بر این، اندازه موسسه حسابرسی و تخصص حسابرسان به عنوان عوامل تعدیل‌کننده نقش مهمی ایفا می‌کنند. موسسات بزرگ‌تر با منابع پیشرفته‌تر، خدمات حسابرسی باکیفیت‌تری ارائه می‌دهند. [۱۸]. موسسات بزرگ‌تر با منابع پیشرفته‌تر، خدمات حسابرسی باکیفیت‌تری ارائه می‌دهند و به دلیل اعتبار و شهرت گسترده، اعتماد بیشتری از سوی سرمایه‌گذاران جلب می‌کنند. این اعتبار باعث می‌شود اطلاعات حسابرسی شده از دقت و صحت بیشتری برخوردار باشد. علاوه بر این، تخصص حسابرسان در شناسایی و مدیریت ریسک‌های مالی، کیفیت حسابرسی را بهبود بخشیده و عدم قطعیت‌های مالی را کاهش می‌دهد. این عوامل باعث افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران به صحت صورت‌های مالی می‌شود [۲].

کیفیت بالای خدمات حسابرسی تأثیر مستقیمی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعتبار شرکت‌ها در بازارهای مالی دارد. شرکت‌ها برای دریافت خدمات حسابرسی باکیفیت‌تر، هزینه بیشتری پرداخت می‌کنند، که بر حق‌الزحمه حسابرس تأثیر می‌گذارد. هرچه نقدشوندگی سهام یک شرکت بیشتر باشد و حسابرسان و موسسات حسابرسی آن تخصص بالاتری داشته باشند، رابطه مثبت بین نقدشوندگی و حق‌الزحمه حسابرسی تقویت می‌شود. شرکت‌های با نقدشوندگی بالا برای حفظ اعتبار و جذابیت سرمایه‌گذاری، بیشتر به خدمات حسابرسی باکیفیت روی آورده و هزینه بیشتری پرداخت می‌کنند. این امر باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های کمپیل و همکاران (۲۰۲۳) همسو است، زیرا هر دو رابطه مثبت و معنادار بین نقدشوندگی و حق‌الزحمه حسابرسی را تأیید می‌کنند.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای کاربردی

برای بهبود نقدشوندگی سهام و سایر ویژگی‌های قرارداد حسابرسان، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود: نخست، سرمایه‌گذاری در آموزش حسابرسان به منظور ارتقاء مهارت‌ها و توانایی‌های آن‌ها در شناسایی ریسک‌ها ضروری است. دوم، ایجاد شبکه‌های قوی بین موسسات حسابرسی و سرمایه‌گذاران به افزایش اعتماد و تبادل اطلاعات کمک می‌کند. همچنین، به کارگیری فناوری‌های پیشرفته برای بهبود کیفیت خدمات حسابرسی و تسهیل فرایند خرید و فروش سهام اهمیت دارد. علاوه بر این، ارائه اطلاعات مالی شفاف و به‌روز از سوی شرکت‌ها به کاهش عدم قطعیت‌ها کمک می‌کند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

برای پژوهش‌های آتی در حوزه حسابداری و حسابرسی، پیشنهاد می‌شود که چند جنبه کلیدی را مورد بررسی قرار گیرد:

اولین پیشنهاد، بررسی تأثیر آموزش‌های تخصصی بر کیفیت حسابرسی و شناسایی ریسک‌ها است. این تحقیق می‌تواند شامل تحلیل‌های مقایسه‌ای بین حسابرسان با سطوح مختلف آموزش و بررسی نتایج حسابرسی آن‌ها باشد. همچنین، می‌توان به نقش آموزش‌های مستمر و دوره‌های تخصصی در افزایش

توانایی‌های حسابرسان در شناسایی مشکلات و ریسک‌های مالی پرداخت. دومین جنبه، ارزیابی تأثیر فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و بلاک چین در فرآیندهای حسابرسی است. این تحقیق می‌تواند شامل بررسی چگونگی به کارگیری این فناوری‌ها برای تسهیل در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، بهبود دقت در گزارش‌دهی و افزایش کارایی در شناسایی تقلب و ریسک‌های مالی باشد. سومین پیشنهاد، تحقیق در مورد شیوه‌های ارتباطی مؤثر بین حسابرسان و سرمایه‌گذاران است. ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی می‌تواند به افزایش اعتماد و تبادل اطلاعات منجر شود. این تحقیق می‌تواند شامل بررسی روش‌های نوین ارتباطی، نظیر وبینارها و جلسات آنلاین، باشد که به تسهیل این ارتباطات کمک می‌کند. چهارمین جنبه، بررسی تأثیر شفافیت اطلاعات مالی بر نقدشوندگی سهام و تصمیمات سرمایه‌گذاری است. این تحقیق می‌تواند به تحلیل این موضوع بپردازد که چگونه ارائه اطلاعات مالی شفاف و به‌روز می‌تواند به کاهش عدم قطعیت‌ها و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها کمک کند.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱- نوع شرکت‌ها: تمرکز بر شرکت‌های خاص یا صنایع خاص ممکن است باعث محدودیت تعمیم‌پذیری نتایج به سایر شرکت‌ها یا بازارها شود.
- ۲- متغیرهای کنترلی: عدم کنترل کافی برای سایر متغیرهای تأثیرگذار، مانند شرایط اقتصادی، سیاست‌های مالی و تغییرات قانونی، می‌تواند نتایج را تحت‌الشعاع قرار دهد.
- ۳- کیفیت حسابرسی مبتنی بر ورودی: اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی به صورت دقیق ممکن است چالش‌برانگیز باشد، زیرا این مفهوم می‌تواند تابعی از عوامل متعددی باشد.

فهرست منابع

۱. بختیاری، مسعود. (۱۴۰۳). «تأثیر نقدشوندگی سهام بر عرضه و تقاضای اعتبار تجاری». **بررسی‌های بازرگانی**، ۲۲(۱۲۶)، ۳۲-۵۴.
۲. خانی، ذبیح‌اله، رجب‌دري، حسین، صدری، ندا. (۱۳۹۹). «رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان با اظهارنظر حسابرسان نسبت به تداوم فعالیت». **دانش حسابرسی**، ۲۰(۷۹)، ۲۴۱-۲۵۸.
۳. دیلمی، صفیه، صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام». **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، ۶(۲۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
۴. رشیدی، محسن. (۱۴۰۰). «بررسی رقابت بازار، چسبندگی حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی». **دانش حسابداری مالی**، ۸(۲)، ۲۹-۱۷۳-۱۹۳.
۵. ستایش، محمدحسین، کاظم‌نژاد، مصطفی، ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». **نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۳(۳)، ۵۵-۷۴.
۶. صادقی، حامد، دریائی، عباسعلی. (۱۴۰۰). «اثر سوگیری رفتاری سرمایه‌گذاران بر بازده عرضه اولیه عمومی: نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی و رشد شرکت». **چشم‌انداز مدیریت مالی**، ۱۱(۳۵)، ۳۹-۶۵.
۷. صالحی، الله‌کرم. (۱۴۰۰). «تأثیر قدرت حاکمیت شرکتی بر نقدشوندگی بازار سهام: با تأکید بر معیارهای آمیهود، حجم معامله و شکاف قیمتی». **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری**، ۱۰(۳۷)، ۳۷-۵۵.

۸. عبداللهی، فاطمه. (۱۴۰۱). «ارتباط بین نقدشوندگی سهام و کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار با تأکید بر نقش تعدیلگری کیفیت حاکمیت شرکتی». **کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی**.
۹. مقدم، عبدالکریم، حبیبی، فرزاد. (۱۴۰۳). «تأثیر دوره تصدی حسابرس، اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت سود بر هم‌زمانی قیمت سهام». **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، ۱۶(۶۱)، ۲۵-۴۴.
۱۰. ملکیان، اسفندیار، احمدپور، احمد، طالب‌تبار آهنگر، میثم. (۱۳۹۹). «بررسی رابطه برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، حق‌الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۴(۴)، ۱۴-۳۷.
۱۱. منصوری سرنجیانه، میکائیل، تنانی، محسن. (۱۳۹۲). «بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی». **نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۵(۴)، ۱۰۵-۱۲۰.
۱۲. ودیعی، محمدحسین، کاردان، بهزاد، هوشمند زعفرانی، رحمت‌اله. (۱۳۹۷). «اثر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی‌شده واحدهای تجاری: معیار رتبه‌بندی حسابرس». **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، ۲(۲)، ۱۳۵-۱۵۲.
13. Amihud, Y., Levi, S. (2023). "The Effect of Stock Liquidity on the Firm's Investment and Production." **The Review of Financial Studies**, 36(3), 1094–1147.
14. Campbell, J. L., Duchac, J. E., Shi, W., Stice, D. (2023). "The Association Between Stock Liquidity and Audit Pricing." **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, 42(2), 53–74.
15. Chen, H., Francis, B. B., Hasan, T., Wu, Q. (2022). "Does Corporate Culture Impact Audit Pricing? Evidence from Textual Analysis." **Journal of Business Finance & Accounting**, 49(5–6), 778–806.
16. Ciptani, M. K., Reyes, M., Azizah, R. S. (2024). "Balancing Audit Quality to Auditees' Cash Reserves: A Phenomenon in Indonesia." **International Journal of Research and Innovation in Social Science**, 8(4), 824–835.
17. DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor Size and Audit Quality." **Journal of Accounting and Economics**, 3(3), 183–199.
18. DeFond, M., Zhang, J. (2014). "A Review of Archival Auditing Research." **Journal of Accounting and Economics**, 58(2–3), 275–326.
19. Deltas, G., Doogar, R. (2003). "Product and Cost Differentiation by Large Audit Firms." **2005 ASSA Conference—Expanding the Frontiers of Economics: Oligopoly Markets and Antitrust**, Philadelphia 77 (2) 289 – 319.
20. Ee, M. S., Hasan, I., Huang, H. (2022). "Stock Liquidity and Corporate Labor Investment." **Journal of Corporate Finance**, 72, Article 102142.
21. Hendijani Zadeh, M. (2023). "Audit Quality and Liquidity Policy." **International Journal of Managerial Finance**, 19(4), 950–974.
22. Jayaraman, S., Milbourn, T. T. (2012). "The Role of Stock Liquidity in Executive Compensation." **The Accounting Review**, 87(2), 537–563.
23. Klein, A. (2002). "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management." **Journal of Accounting and Economics**, 33(3), 375–400.
24. Lee, S. M., Park, J. C., Song, H. (2024). "The Capital Market Consequence of Sustained Abnormal Audit Fees: Evidence from Stock Price Crash Risk." **The British Accounting Review**, Article 101387.
25. Said, R., Arsada, S., Ahmad, R. (2016). "The Influence of Boards of Directors, Ownership Structures and Women on Boards on the Extent of Corporate Social Responsibility Reporting in Malaysian Public Listed Companies." **Women and Sustainability in Business: A Global Perspective** 203.
26. Saleeb Agaiby Bakhiet, B. (2024). "Does Audit Quality Moderate the Relationship Between Financial Statements Readability and Stock Price Crash Risk?" **Journal of Financial Reporting and Accounting**.
27. Thuneibat, N., AlHalaseh, R. H. (2023). "Auditing Quality Between Share Price and Liquidity Regarding Investors' Decision." **Journal of Governance and Regulation**, 12(1).



The Effect of Stock Liquidity on the Characteristic of the Auditor-employer Contract: The Moderator Role of Input-based Audit Quality

AbasAli Daryaei¹©

Associate Professor of Accounting Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Abdollah Pakdel

Assistant Professor of Accounting Department, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Hamed Sadeghi

PhD Candidate in Department of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

(Received: November 2, 2024; Accepted: July 7, 2025)

This study investigates the impact of stock liquidity on the characteristics of auditor-employer contract, considering the moderating role of input-based audit quality in firms listed on the Tehran Stock Exchange. Stock liquidity is recognized as a critical factor influencing investor decisions and financing costs, potentially affecting the demand for and pricing of audit services. In this research, stock liquidity is treated as the independent variable, while the characteristics of auditor-client contracts, proxied by audit fees, serve as the dependent variable. Additionally, the moderating role of input-based audit quality in this relationship is examined.

The study utilizes data from 164 sample firms listed on the Tehran Stock Exchange over a 10-year period from 1393 to 1402. Data and information were collected through an archival method, and input-based audit quality was measured using two proxies: auditor firm size and auditor specialization.

The findings indicate that stock liquidity has a positive and significant relationship with audit fees at the 5% level. Firms with higher stock liquidity, reflecting better financial health, tend to pay higher audit fees. Furthermore, auditor firm size and auditor specialization positively moderate the relationship between stock liquidity and audit fees, leading to increased audit costs. The results provide valuable insights for firms and auditors in making decisions related to audit quality.

Keywords: Stock Liquidity, Characteristic of the Auditor-employer Contract, Input-based Audit Quality, Auditor Firm Size, Auditor Specialization.

¹ a.a.daryaei@soc.ikiu.ac.ir© (Corresponding Author)